



خوب قرار هست در مورد مرور فارسی صحبت کنیم در اول مهر

این که بچه ها چی یاد گرفتن از اول تا چهارم و ما چی یاد آوری کنیم و چی تکلیف بدیم

من از نکات فارسی اول و دوم و سوم و چهارم شروع می کنم

سال اول

شناخت الفبا و صداها و ساخت کلمه های ساده و و در نهایت خواندن و نوشتن و جمله سازی کوتاه رو داریم و دستور زبان خاصی تدریس نمیشه به جز این که جمله باید کامل نوشته بشه که شروعی برای ضرورت فعل در جمله هست ولی اصلا وارد این مبحث نمیشه فقط جمله کامل ساخته میشه

سال دوم

سال دوم معرفی ساختن ترکیب هست و کلمات غیر ساده ولی باز هم تخصصی نیست در همین حد که پیشوند « **هم** » به اول بعضی از کلمه ها اضافه می شود و یک کلمه ی غیر ساده ی معنی دار می سازد که معمولاً به معنی مشارکت در کاری است.

همکار یعنی کسانی که کار مشترک دارند.

هم شهر یعنی کسانی که شهر مشترک دارند.

هم دست، هم خانه، هم دل، هم مسیر، هم پایه، هم وطن، هم اندازه، هم درد، هم سال و هم شاگردی از این دست کلمات هستند.

👉 اشاره به ساختن ترکیب در بعضی از کلمه ها به نشانه ی (**هـ**) که صدای (**هـ**) می دهد، ختم می شوند، در این صورت می توانند با « **اهـ** » ترکیب شوند. مانند:

تازه ای - ساده ای - پرنده ای - دیده ای - نماینده ای - کتابخانه ای - روزنامه ای - کارخانه ای و ... ولی

کلماتی که صدای آخر آن ها (**هـ**) نیست، با (**اهـ**) ترکیب می شوند.

مانند: درختی، مادری، مشهدی، آسانی، خوردنی، ایرانی، کوهی و ...

در نوشتن کلمات، باید به شباهت نشانه ی (**هـ هـ هـ هـ**) و صدای (**هـ هـ هـ**) دقت کنیم. کلمه هایی که صدای (**هـ هـ هـ**) دارند با (**اهـ**)، ترکیب می شوند.

مانند: کوهی - راهی - پادشاهی - سیاهی - چاهی - کوتاهی - هم گروهی و ...

👉 مجدد با ساختن ترکیب کار شد در پایه دوم و معرفی کلمات غیر ساده با پیشوند « **با** » به بعضی از کلمه ها اضافه می شود و کلمه ی غیرساده ی معنی داری می سازد که اغلب به معنی دارندگی و دارا بودن است.

با ادب یعنی کسی که ادب دارد. **با ایمان** یعنی کسی که ایمان دارد.

به کسی که حجاب دارد، **با حجاب** می گویند. به کسی که سلیقه دارد، **با سلیقه** می گویند.

با ارزش، با نظم، باسواد، با اهمیت، با غیرت، با معرفت، بامزه، با استعداد و با دقت، از این نوع کلمه ها هستند.

یادآوری صداهای نشانه ی «q»

نشانه ی (q) در کلمات زیر صدای (q) می دهد.

دود، آموزش، کودک، روستا، روز، گوش، آموزگار و ...

نشانه ی (q) در کلمات زیر صدای (q) می دهد.

وارد، هوا، احوال پرسی، ورزش، توانایی، مشورت و ...

نشانه ی (q) در برخی از کلمات صدای (a) می دهد.

مانند: خورشید، دو، موضوع، دوباره، خود، خودکار، خوش حال و ... و در بعضی از کلمه ها صدا ندارد.

مانند: خواهر، خواب، می خواهم، خواستن، استخوان، خواهش و ...

در ترکیب هایی مانند پدر و مادر، شب و روز، سرد و گرم، داد و بیداد، هفتاد و یک، بالا و پایین و ... نشانه ی (q) را باید با صدای (a) بخوانیم.

پیشوند «ب» بر سر بعضی از کلمه ها می آید و کلمه ی غیر ساده ی معناداری را می سازد که به معنی دارا نبودن و نداشتن چیزی است.

به ادب یعنی کسی که ادب ندارد. به سواد یعنی کسی که سواد ندارد.

به حوصله یعنی کسی که حوصله ندارد. به مزه یعنی چیزی که مزه ندارد.

بی انصاف، بی نظم، بی چاره، بی هنر، بی حجاب، بی رنگ، بی ارزش، بی اهمیت و ... کلماتی از این نوع هستند.

بعد معرفی مفهوم انواع جمله رو داشتن

اول با پرسش کردن

به جمله هایی که در آن سؤالی پرسیده می شود، جمله «سؤالیه یا پرسشیه» می گویند.

در پایان جمله های پرسشی علامت (؟) قرار می دهیم.

جمله های پرسشی دو نوع هستند:

۱) جمله هایی که دارای کلمات پرسشی هستند.

آیا، چرا، چگونه، چند، کدام و چه طور از کلمه های پرسشی هستند.

آیا دوستم را در مدرسه پیدا کردی؟

چرا با دوستانت همکاری نمی کنی؟

چگونه نقاشی ات را رنگ کردی؟

کدام ساعت را می پسندی؟

چه طور از رایانه، استفاده می کنی؟ و ...

👉 جمله هایی که کلمات پر سشی ندارند ولی ما از آهنگ جمله در سخن گفتن و یا از علامت (؟) در پایان جمله، به سؤالی بودن جمله پی می بریم.

دوستم آمد؟

مادرت را دیدی؟

این صدای زیبا را می شنوی؟

یکم هم اشاره شد به تفاوت بعضی کلمه ها

👉 آخر بعضی از کلمه ها نشانه ی (**آ**) می آید. مانند: معمولاً، حتماً، بعداً، اصلاً

هرگاه این نشانه در کلمه ای دیده می شود، آن را به صورت (**ن**) می خوانیم

مانند: مثلاً، حتماً، لطفاً، فعلاً، مخصوصاً، بعداً، کاملاً، تقریباً، دقیقاً، کلماتی هستند که نشانه ی (**آ**) دارند.

👉 کلمات « **مترادف** » یا « **هم معنی** » کلمه هایی هستند که از نظر معنی و مفهوم، یکسان هستند.

ما می توانیم کلمه های مترادف را به جای یکدیگر در جمله به کار ببریم.

مانند: کثیف یعنی آلوده (کثیف و آلوده هم معنی هستند.)

تلاش یعنی کوشش (تلاش و کوشش هم معنی هستند.)

من برای موفق شدن تلاش می کنم. من برای موفق شدن کوشش می کنم.

کلمات **هم معنی** را با نشانه ی (:) در بین آن ها، نشان می دهند.

کثیف: آلوده تلاش: کوشش زیبا: قشنگ شاد: خوش حال

پس دیدید دوستان این که چی بگیم و چی بخواهیم نباید باشه تا برسن پنجم چیزهای زیادی آموزش داده شده

شما همین ها رو هم سر اولین جلسات یادآوری کنید و پیرسید کلی کار کردید برای بچه ها

کلی نکته همیشه برایشون یادآوری کنید اینطوری

تا الان در مورد مرور نکات فارسی در اول مهر یعنی چیزی که معلم باید بدون که بچه ها تا الان چه آموزش هایی دیدن تا رسیدن پنجم چند نکته گفتم

در سال های گذشته یاد گرفتن که بعضی از کلمه ها، مفهوم مخالف هم دارند: مانند شب که مخالف روز و سرد که مخالف گرم است.

به این دسته از کلمه ها، کلمات **مخالف یا متضاد** می گویند. برای نشان دادن دو کلمه ی مخالف از علامت (≠) استفاده می کنیم.

بزرگ ≠ کوچک سبک ≠ سنگین بالا ≠ پایین نرم ≠ زبر کوتاه ≠ بلند ایستاده ≠ نشسته

👉 تدریس **مفرد و جمع** به این صورت آموزش داده شده که برای نوشتن چیزهایی که تعدادشان بیش تر از یکی است، از نشانه ی (ها) استفاده می کنیم.

با اضافه شدن (ها) به بعضی کلمه ها، جمع بسته می شود.

مرد + ها ← مردها	مرد یعنی یک مرد	مردها یعنی چند مرد
سنگ + ها ← سنگ ها	سنگ یعنی یک سنگ	سنگ ها یعنی چند سنگ

👉 حتی آشنایی با **ضمیر** هم داشتن به صورت تمرینی در جملات

اگر کسی یا چیزی به ما نزدیک باشد، هنگامی که می خواهیم نامی از آن ببریم، از کلمه ی « این » یا « همین » استفاده می کنیم.

به کتابی که نزدیک ماست، می گوییم: این کتاب یا همین کتاب

به میزی که نزدیک ماست، می گوییم: این میز یا همین میز

و اگر کسی یا چیزی از ما دور باشد، هنگامی که می خواهیم نامی از آن ببریم، کلمه ی « آن » یا « همان » را قبل از اسم، به کار می بریم.

آن مرد یعنی مردی که از ما دور است.

همان مرد یعنی مردی که از ما دور است.

👉 باز هم ساختن ترکیب و کلماتی که بشه باهش به معانی جدید رسید

شغل بعضی از افراد، ساختن ابزار و وسایل مورد نیاز ما است.

کسی که کلید می سازد که به او «کلیدساز» می گویند.

به کسی که مجسمه می سازد، «مجسمه ساز» می گویند.

به کسی که آهنگی می سازد، «آهنگ ساز» می گویند.

👉 یک نکته هم در مورد تفاوت بعضی کلمات

در بعضی از کلمات، نشانه ی (س) که در پایان کلمه می آید، با صدای (آ) خوانده می شود.

مانند: عیسی، موسی، حتی، کبری، مرتضی، مصطفی

👉 با اضافه کردن کلمه ی «خانه» به برخی از کلمات می توانیم یک کلمه ی مرکب معنی دار بسازیم.

مانند: نماز + خانه ← نمازخانه

کلمه هایی که با «خانه» ترکیب می شوند به معنی محل یا جایی برای انجام کاری است.

مانند: گل + خانه ← گل خانه گل خانه یعنی جایی که در آن گل کاشته می شود.

وضو + خانه ← وضوخانه وضوخانه یعنی جایی که در آن وضو می گیریم.

دارو + خانه ← داروخانه داروخانه یعنی جایی که در آن دارو می فروشند.

👉 یادمان باشد در جمله سازی، فعل با بقیه ی قسمت های جمله مخصوصاً کننده کار آن مطابقت داشته باشد.

در غیر این صورت جمله ها معنی درستی نمی دهند.

* من خدا را شکر می کنم. * ما خدا را شکر می کنیم.

* تو خدا را شکر می کنی. * شما خدا را شکر می کنید.

* او خدا را شکر می کند. (برادرم خدا را شکر می کند). * آن ها خدا را شکر می کنند.

* من به مدرسه رفتم.

* ما به مدرسه رفتیم.

* تو به مدرسه رفتی.

* شما به مدرسه رفتید.

* او به مدرسه رفت.

👉 برای **مقایسه** دو چیز با یکدیگر، به کلمه پسوند «**تر**» اضافه می کنیم. در این صورت یکی از آن ها نسبت به دیگری برتری دارد.

مانند: علی از زهرا بزرگ تر است.

مداد من از مداد نازنین، خوش زنگ تر است.

این کیف، از آن کیف، گران تر است.

و اگر بخواهیم چیزی را با چند چیز دیگر مقایسه کنیم، پسوند «**ترین**» به آن اضافه می کنیم. در این صورت یکی از آن ها نسبت به بقیه ی چیزهای دیگر برتری دارد.

مانند: مادرم مهربان ترین دوست من است. پدرم، بزرگ ترین فرد خانواده ی ما است.

زهرا، بهترین و دلسوزترین هم شاگردی من است.

👉 می توانیم جمله هایمان را با استفاده از کلمه های مختلفی که زمان های متفاوت را نشان می دهند، بسازیم.

مثلاً از کلمه های پار سال، سال گذشته، ام سال، امروز، دیروز، صبح زود، ماه پیش، هفته قبل، این هفته و ... استفاده کنیم.

مانند: هفته ی قبل اتفاق خوبی برای خانواده ام افتاد.

امروز صبح دوستم را در خیابان دیدم.

👉 با اضافه کردن پسوند «**گاه**» به بعضی از کلمه ها، کلمه ی جدیدی می سازیم که معنی محل یا جای چیزی را می دهد. به این نمونه ها توجه کن:

زیارت + گاه ← زیارتگاه زیارتگاه: یعنی محل زیارت.

نمایش + گاه ← نمایشگاه نمایشگاه: یعنی محل نمایش دادن

آزمایش + گاه ← آزمایشگاه آزمایشگاه: یعنی محلّ آزمایش کردن

👉 در نوشتن این نوع کلمات باید دقت کنیم که « گاه » به کلمه ی اصلی وصل شود و جدا نوشته نشود. مانند:

آزمایش گاه (غلط) - آزمایشگاه (صحیح)

👉 درباره ی جمع بستن کلمه ها توضیح دادیم که اگر بخواهیم یک چیز یا یک نفر را نام ببریم، از نشانه ی خاصی استفاده نمی کنیم؛ اما اگر تعداد آن ها از یکی بیش تر باشد، آن ها را جمع می بندیم. تاکنون کلمه ها را با پسوند « ها » جمع می بستیم؛ اما از دیگر نشانه های جمع بستن، پسوند « ان » است.

دست + ها ← دست ها (چند دست) دست + ان ← دستان (چند دست)

کودک + ها ← کودک ها (چند کودک) کودک + ان ← کودکان (چند کودک)

👉 هنگام جمع بستن کلمه ها با « ان » باید به این نکته توجه کنیم که اگر پایان کلمه ای نشانه ی (o a) با صدای (ا) یا صدای « آ »، « ع »، « و »، آمده باشد، هنگام وصل شدن به « ان » یک حرف دیگر به کلمه اضافه می شود که به آن حرف « میانجه » می گویند.

مانند: آقا + ان ← آقایان دانشجو + ان ← دانشجویان

سبزی + ان ← سبزیجات ستاره + ان ← ستارگان

گذشته + ان ← گذشتگان

👉 بعضی از کلمه ها در جمله های مختلف، معنی متفاوتی دارند که با توجه به جمله معنی اصلی آن را متوجه می شویم. به این جمله ها دقت کن:

دیروز وقتی غذای خوش مزه ای که مادرم پخته بود، خوردم، حسابی سیر شدم.

برادرم برای آماده کردن میز شام، ترشی سیر هم روی میز گذاشت.

کلمه ی « شیر » را در این جمله ها، با هم مقایسه کن:

در باغ وحش، دو شیر خیلی قوی را دیدم.

مادرم می گوید روزی یک لیوان شیر برای سلامتی مفید است.

شیرِ آبِ حمامِ خانه ی ما خراب شده است.

همین طور کلمه ی « شور » در این جمله ها:

غذای دیروز خیلی شور بود.

بچه ها برای رفتن به اردو، شور و حال زیادی داشتند.

👉 اگر بخواهیم **جنس چیزه** یا **اهلیت** کسی را بیان کنیم، آن کلمه را با « **ه** » ترکیب می کنیم.

مثلاً: به کسی که اهل « شیراز » است « شیرازی » می گویند.

به چیزی که از جنس « چوب » است، « چوبی » می گویند.

به کسی که اهل « آلمان » است « آلمانی » می گویند.

به چیزی که از جنس شیشه است « شیشه ای » می گویند.

👉 اگر « **کار** » را به بعضی از کلمه ها اضافه کنیم، کلمه های مرکب جدیدی ساخته می شود که به معنی انجام دادن آن کار است.

ورزش + کار ← ورزش کار (ورزش کار یعنی کسی که ورزش می کند.)

خدمت + کار ← خدمت کار (خدمت کار یعنی کسی که خدمت می کند.)

نیکو + کار ← نیکوکار (نیکوکار یعنی کسی که کارهای نیک و خوب انجام می دهد.)

👉 کلمه هایی که نشانه ی آخر آن ها (**ه**) با صدای (**ا**) است، هنگام ترکیب شدن با پسوند « ان » از شکل (**ه**)

(**ه**) به شکل (**ا**) تبدیل می شوند و یک نشانه « گ » به عنوان میانجی در کلمه ظاهر می شود.

ستاره + ان ← ستارگان فرشته + ان ← فرشتگان

گذشته + ان ← گذشتگان پرنده + ان ← پرندگان

با اضافه کردن پیشوند «نا» به اول بعضی از کلمه ها، کلمه های جدیدی ساخته می شود که معنی نداشتن و نبودن چیزی را می رساند.

نا + مناسب ← نامناسب (نامناسب چیزی است که مناسب نباشد)

نا + آشنا ← ناآشنا (ناآشنا، کسی است که آشنا نباشد)

نا + امید ← ناامید (ناامید، کسی است که امید نداشته باشد)

نا + راحت ← ناراحت (ناراحت، کسی است که راحت نباشد)

نا + بینا ← نابینا (نابینا، کسی است که بینایی نداشته باشد)

ناوارد، نامرتب، نادرست، ناشنوا، ناراحتی، ناتمام، ناچار، نادان از این دست کلمه ها هستند.

گاهی اوقات برای زیباتر شدن و تأکید یک حالت در جمله از کلمه هایی استفاده می کنیم که دو بار پشت سر هم تکرار می شوند.

مانند: مادرم آمد ← مادرم آرام آرام آمد.

باران بارید ← باران نم نم بارید.

هوا سر می شود ← هوا یواش یواش سرد می شود.

دوستم غذا می خورد ← دوستم تند تند غذا می خورد.

با شنیدن اسم بعضی چیزها، یاد چیزهای دیگری می افتیم که با هم ارتباط معنایی دارند. مثلاً با شنیدن کلمه ی « شب » یاد تاریکی، ستاره ها، ماه، چراغ ... می افتیم. و کلمه ی « زمستان »، برف، سرما، آدم برفی، کلاه و بخاری را به یاد ما می آورد. به این ارتباط بین کلمه ها، « شبکه معنایی » می گویند.

بعضی از صداها، تنها مخصوص یک موجود است که ما آن موجود را، با آن صدای مخصوص می شناسیم. به این نوع صداها « آوا » هم می گویند. به آواهای زیر توجه کن.

جیک جیک: صدای گنجشک

شُر شُر: صدای آب

قار قار: صدای کلاغ

قُل قُل: صدای جوشیدن آب

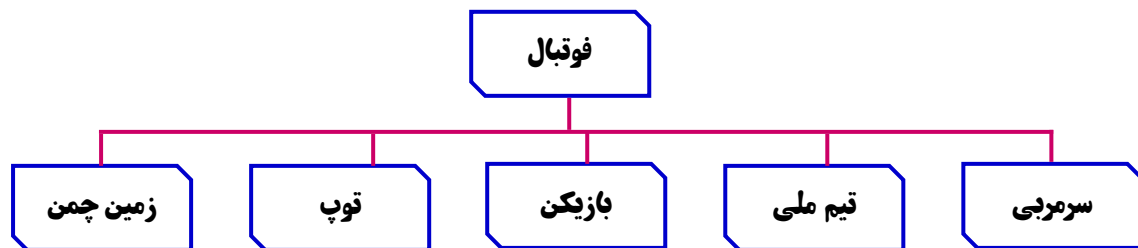
خش خش: صدای برگ خشک

هوهو: صدای باد

👉 مثال هایی از شبکه معنایی

گاهی با شنیدن بعضی از کلمات، کلمه های دیگری به یادمان می آید که بین آن ها ارتباط معنایی یا مفهومی وجود دارد. مثلاً وقتی کلمه ی مدرسه را می شنویم، حتماً به یاد دانش آموز، تخته، معلم، کلاس، زنگ تفریح، میز و نیمکت و ... می آفتیم.

به این ارتباط در زبان فارسی، « شبکه معنایی » می گویند. اگر بخواهیم برای « فوتبال »، شبکه معنایی بسازیم، خواهیم نوشت:



👉 برای جمع بستن به آخر کلمه ها یا ان اضافه می کنیم و با این کار تعداد بیش از یکی را نشان می دهیم مانند کتاب (یک کتاب) کتاب ها (چند کتاب)

وقتی می گوئیم: « مداد »، منظورمان فقط یک مداد است.

اما وقتی می گوئیم: « مدادها »، از چند مداد صحبت می کنیم.

👉 برای این که تعداد چیزی را که از « یکی » بیش تر است نشان دهیم، یکی از نشانه های (ها)، (ان) یا (ات) را به کلمه اضافه می کنیم.

گل: یک گل گل + ها ← گل ها (چند گل)

دختر: یک دختر دختر + ان ← دختران (چند دختر)

تصادف: یک تصادف تصادف + ات ← تصادفات (چند تصادف)

برای جمع بستن همه ی کلمه ها می توانیم از « ها » استفاده کنیم، ولی « ان » و « ات » را در بعضی از کلمه ها به کار می بریم.

همه ی کلمه هایی که نشانه ی (ها)، (ان) یا (ات) دارند، جمع نیستند. برای تشخیص آن ها باید نشانه ی جمع را از کلمه برداریم، اگر کلمه معنی داشته باشد در جمع و در غیر این صورت، مفرد است.

عرفان: مفرد **ربان:** مفرد **اردها:** مفرد

👉 کلماتی که در آخر آن ها (ه) باشد هنگام جمع بستن با ان ابتدا (ه) به (گ) تبدیل می شود سپس با ان جمع بسته می شود مانند پرنده + ان = پندگان

با کنار هم گذاشتن چند جمله درباره یک تصویر یک بند ساخته می شود

👉 اگر کلمه ها با یک دیگر هم معنی نباشند و معنی مخالف باهم داشته باشند، به آن ها « **کلمه های مخالف** » می گوئیم.

مانند: (شب و روز)، (سرما و گرما)، (تازه و کهنه)

برای نشان دادن دو کلمه ی مخالف از نشانه ی (≠) استفاده می کنیم.

دوست ≠ دشمن (یعنی دوست مخالف دشمن است.)

می آیم ≠ نمی آیم مناسب ≠ نامناسب

👉 کلمه های « من، تو، او، ما، شما، آن ها » اگر در اوّل جمله بیایند، باید با کلمه ی آخر جمله (فعل) هماهنگی داشته باشند.

مانند: من کتاب داستان خریدم. (**درست**) من کتاب داستان خریدی. (**نادرست**)

من فوتبال را دوست دارم تو فوتبال را دوست داری

او فوتبال را دوست دارد ما فوتبال را دوست داریم

شما فوتبال را دوست دارید آن ها فوتبال را دوست دارند

گاهی در اوّل جمله، اسم انسان، حیوان، شهر یا چیز دیگری می آید. این کلمات هم باید با فعل هماهنگی داشته باشند.

مداد از روی میز افتاد. (**درست**) مدادها از روی میز افتادند. (**درست**)

مداد از روی میز افتادند. (**نادرست**)

هر مکانی، معنی مخصوص دارد. مانند:

استخر: یک مکان ورزشی است.

مدرسه: یک مکان آموزشی است.

مسجد: یک مکان دینی است.

سینما: یک مکان فرهنگی است.

محلّه: یک مکان اجتماعی است.

خانه ی سلامت: یک مکان بهداشتی است.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی، واژه ی « رایانه » را به جای کلمه ی خارجی « کامپیوتر » قرار داده است.

به کلمات زیر دقت کنید

علم - عالم - علوم

قصد - مقصد - قاصد

نظم - ناظم - منظم

در هر گروه از این کلمات سه حرف مشترک به ترتیب وجود دارد

بعضی از کلمه ها از نظر معنایی نزدیک به هم هستند و بعضی از حروف آن ها مشترک است. به این کلمه ها، « **هم خانواده** » می گویند.

با بعضی از این کلمه ها آشنا شده ای؛ مانند دانش آموز، دانشمند، دانشگاه، دانش جو

مانند: کتاب، کتب، مکتوب ← سه حرف (ک ت ب) در هر سه این کلمات مشترک است.

شاکر - شکر - تشکر ← سه حرف (ش ک ر) در همه آن ها مشترک است.

وقتی دو کلمه که در کنار هم قرار گرفته اند به هم مربوط باشند آن ها را نشانه ی -- به هم وصل می کنیم

مانند: لیوان آب

اما اگر آخر آن ه و صدای کسره بدهد باشد به جای --- با ی به کلمه دوم وصل می شود خانه ی بزرگ

نوع سخن، در گفتار و نوشتار متفاوت است.

وقتی مطلبی را می خواهیم بنویسیم، باید به صورت نوشتاری آن را بنویسیم و از نوشتن عامیانه، پرهیز کنیم.

نمونه ← (اونا بهش میگن) عامیانه گفتار (آن ها به او می گویند) نوشتاری

ما می توانیم در حرف زدن از گفتار عامیانه استفاده کنیم ولی در نوشته هایمان باید به صورت نوشتاری بنویسیم.

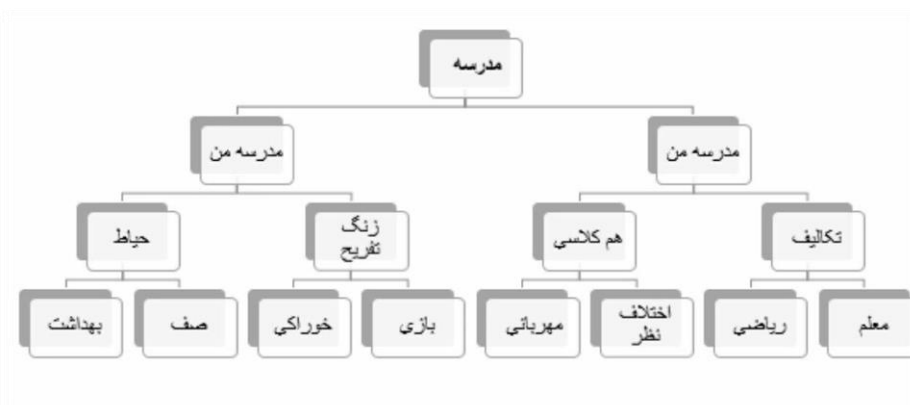
بچه ها زنگ تفریح اومدن تو حیاط. (**نادرست**) بچه ها زنگ تفریح به حیاط آمدند. (**درست**)

به نوشته های کوتاهی که جمله های آن درباره ی یک موضوع است و جمله ها باهم در ارتباط هستند، یک « **بند** » می گویند. نام دیگر بند، **پاراگراف** است.

سال سوم

برای این که بتوانیم درباره ی یک موضوع، یک یا دو بند، بنویسیم، لازم است برای موضوع انتخاب شده، شبکه معنایی بسازیم و آن را گسترش دهیم؛ سپس در مورد هر کدام از شبکه ها، یک یا چند جمله بنویسیم و آن ها را به یک دیگر ارتباط دهیم؛ مثلاً اگر قرار است درباره ی موضوع « مدرسه » متنی را بنویسیم، بهتر است شبکه ی معنایی برای مدرسه بسازیم.

گام اول برای بند نوشتن « انتخاب یک موضوع مناسب » است. بهتر است قبل از این که بندنویسی را شروع کنی، یک موضوع مناسب انتخاب کنی که دارای شبکه معنایی زیادی باشد.



برای این که یک جمله یا متن را بهتر بخوانیم، لازم است که نشانه هایی را در جمله یا متن خود به کار ببریم.

این نشانه ها را که شامل نقطه (.) علامت سؤال (؟) ویرگول (،) دو نقطه (:) گیومه (« ») و ... می شوند نشانه های نگارشی می نامند.

در پایان بیش تر جمله ها نقطه می گذاریم. (.)

مانند: روزهای خوبی را برای دوستانم آرزو می کنم.

پایان جمله های پرسشی علامت سؤال می گذاریم (؟)

مانند: چرا آلودگی صوتی، باعث آزدن ما می شود؟

در پایان جمله هایی که باعث تعجب و شگفتی ما می شوند، علامت (!) می گذاریم.

مانند: به به! چه روزهای خوبی!

برای مکث کوتاه در بین کلمات از ویرگول استفاده می کنیم.

مانند: ما، روز چهارشنبه به شیراز خواهیم رفت.

از گیومه (« ») وقتی استفاده می شود که بخواهیم جمله یا سخن شخص دیگری را در بین جمله های خودمان بیاوریم. بهتر است قبل از گیومه (:) بگذاریم.

مانند: مادرم گفت: « صدای تلاوت قرآن خیلی گوش نواز است. »

برخی کلمه ها از نظر نوشتار به یک شکل هستند اما از نظر تلفظ و معنی با هم متفاوت هستند. به آن ها «
کلمات مشابه» می گویند.

مانند: در کارگاه سفال گری، کوزه های زیبایی با گل ساخته می شود.

مادربزرگ، گل های باغچه را در گلدان کاشت و به من هدیه کرد. (**گل و گُل**) مشابه هستند.

کشتی گرفتار طوفان شد. تیم ملی کشتی ایران، قهرمان جهان شد. (**کشتی و کشتی**) مشابه هستند.

کلمات دیگری مانند: (سَم و سُم) - (شِش و شُش) - (دَم و دُم) - (سَر و سُر) - (مَرَد و مُرَد) و ...

کارهایی که اکنون مشغول انجام دادن آن هستیم، مربوط به زمان حال است.

من هم اکنون دارم تکالیفم را می نویسم و مادرم در آشپزخانه است.

برای ساختن یک کلمه ی جدید، می توانیم دو کلمه را باهم ترکیب کنیم و کلمه ای با معنی جدید به وجود بیاوریم.

بعضی از کلمه ها با « کِش » ترکیب می شوند و کلمه های معناداری می سازند:

مانند: دود + کش ← دودکش (دودکش، وسیله ای است که دود را از خانه بیرون می کشد.)

نفت + کش ← نفت کش (نفت کش، وسیله ای است که نفت را از چاه بیرون می کشد.)

بار + کش ← بارکش (بارکش، وسیله ای است که بارهای سنگین را می کشد.)

خط + کش ← خط کش (خط کش، وسیله ای است که خط می کشد.)

آب + کش ← آب کش (آب کش، وسیله ای است که آب را از چیزی بیرون می کشد.)

👉 یاد گرفتیم، کارهایی که اکنون در حال انجام دادن آن هستیم مربوط به زمان حال است. اما، ما در گذشته هم کارهایی انجام داده ایم؛ مثلاً دیروز، یک ساعت قبل، سال گذشته، سال های قبل و ... که دیگر مشغول انجام دادن آن کار نیستیم و آن کار انجام گرفته و تمام شده است. این کارها مربوط به زمان گذشته می شوند. کلمه هایی مثل: دیروز، قبلاً، پارسال، چند روز پیش، سال ها قبل و ... به زمان گذشته اشاره دارند.

به این جمله ها دقت کن:

دیروز تصمیم گرفتم (گذشته) که دیگر پر حرفی نکنم (حال)

پارسال در کلاس دوم درس می خواندم (گذشته) امسال در کلاس سوم درس می خوانم (حال)

چند دقیقه قبل آموزگار موضوعی را برای انشا انتخاب کرد (گذشته) و ما اکنون مشغول نوشتن انشا هستیم (حال)

👉 می توان با ترکیب کلمه ها با واژه ی (سر) کلمه های جدید، با معنای جدید ساخت.

مانند: سر + زمین ← سرزمین سر + لشگر ← سرلشگر

سر + حال ← سرحال سر + بلند ← سربلند

👉 هرگاه کاری یا اتفاقی در زمانی غیر از حال و گذشته صورت گیرد، یعنی در آینده انجام شود، به زمان فعل،

زمان آینده می گویند ← فعل زمان آینده، به همراه کلمه ی (خواه) می آید.

مانند: من تکالیفم را خواهم نوشت.

👉 با ترکیب کردن بعضی از کلمه ها با کلمه ی « خوش » می توان کلمه های جدید، با معنای جدید ساخت.

مانند: خوش مزه: دست پخت غذای مادرم، خوش مزه است.

این ترکیب ها « صفت » می سازند.

« صفت کلمه ای است که اسم قبل از خودش را تعریف می کند. »

مانند: (غذای خوش مزه)



👉 ما برای احترام به بزرگان، امامان و پیامبران از اصطلاحاتی استفاده می کنیم.

مانند: صلی الله علیه و آله، که گاهی برای کوتاه شدن این عبارت، از نشانه ی (ص) استفاده می کنیم و اغلب آن را بعد از اسامی پیامبران به کار می بریم.

(ع) : علیه السلام (سلام خدا بر او باد)

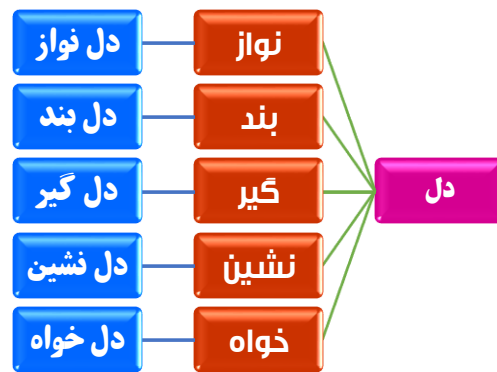
(س) : سلام الله علیها (سلام خدا بر او باد)

(ص) : صلی الله علیه و آله (درود خداوند بر او و خانواده اش باد)

حضرت محمد (ص)، حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س) و ...

👉 یادمان باشد که تمام جمله هایی که در یک بند نوشته می شود با موضوع انتخاب شده هماهنگ باشد و موضوع اصلی را توضیح دهد. جمله هایی را که به موضوع مربوط نمی شوند، از متن نوشته حذف کنیم.

👉 از اضافه کردن بعضی از کلمات، به یک واژه، کلمات جدید با معنای جدید به دست می آید.



👉 یک جمله، از قسمت های مختلف تشکیل شده است که مهم ترین و اصلی ترین آن، « فعل » است که در آخر جمله می آید.

جمله هر چند کوتاه باشد، وقتی فعل داشته باشد، مفهوم را می رساند؛ **مانند:** رفتم، یعنی من رفتم.

جمله ها اغلب با « فعل » کامل می شوند. مانند: دوستانم را جشن تولدم. (جمله ی کاملی نیست ولی با فعل کامل می شود.)

دوستانم را به جشن تولدم دعوت کردم (دعوت کردم فعل)

مادرم از راه (جمله کامل نیست).
مادرم از راه رسید (جمله کامل)

در بعضی از جمله ها فعل دیده نمی شود ولی از مفهوم جمله می فهمیم که جمله کامل است و فعل آن حذف شده است و این حذف برای جلوگیری از تکرار فعل در جمله است.

مانند: چشمه ها در زمزمه: چشمه ها در حال زمزمه هستند.

چه گلی را از بقیه بیشتر دوست داری؟

گل نرگس (این جمله فعل ندارد. ولی ما می فهمیم که جمله ی کامل این طور بوده: گل نرگس را بیشتر از بقیه دوست دارم.)

👉 برای شمارش تعداد جمله ها در یک عبارت، باید تعداد فعل ها را بشمریم.

مانند: او از شکست دلخور بود (۱) ولی نا امید نشد (۲)

دریا زیبا و بی انتها است (۱) و چه زیبا و دیدنی ! (۲) (است)

👉 گاهی جای « فعل » در شعرها عوض می شود و اول جمله یا وسط جمله می آید. این کار به خاطر رعایت وزن و آهنگ شعر است.

مانند: اندر آن دشت، پیرمردی دید که گذشته است عمر او ز نود «

« گذشته است » وسط جمله آمده است که اگر آخر جمله می آمد آهنگ شعر به هم می خورد.

✔️ پسوند « مند » صفت می سازد و دارایی و صاحب چیزی بودن را نشان می دهد.

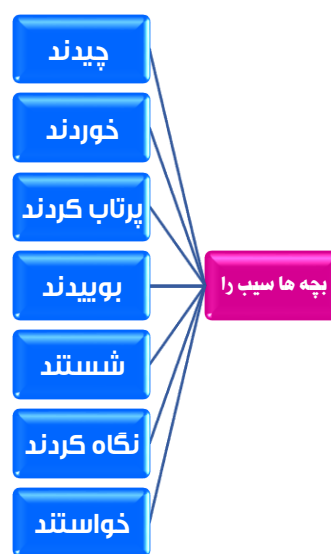
الف - **مانند:** انسان ثروتمند ← یعنی انسانی که ثروت دارد.

مرد هنرمند ← مردی که هنر دارد. دانشمند ← کسی که دانش دارد.

✔️ اگر در یک جمله، فعل را تغییر دهیم، می توانیم جمله هایی جدید با معنای جدید بسازیم.

مانند: آموزگار آمد. آموزگار رفت. آموزگار خندید.

با تغییر فعل در جمله، معنی جمله هم تغییر می کند.



✔️ نوشتن درباره ی یک موضوع کلی، کار دشواری است؛ بنابراین، بهتر است موضوع کلی را به موضوع های

کوچک تری تقسیم کنیم و درباره ی یکی از موضوعات کوچک تر بنویسیم؛

مثلاً، اگر موضوع درباره ی « بهار » باشد، می توانیم آن را به موضوع های کوچک تری مثل: عید نوروز، میوه های

بهار، ماه های فصل بهار، آب و هوای بهار و ... تقسیم کنیم و درباره ی یکی از آن ها بنویسیم.

👉 **حکایت**، داستان کوتاهی است که از روزگار گذشته بر جای مانده است و با پند، اندرز و نصیحت همراه است. «
خارکن و حاتم طایی» نمونه ای از یک حکایت است. سعدی در گلستان خود، حکایت های زیبایی دارد.

👉 **پسوندها** «ستان» اشاره به **مکان** دارد. با ترکیب کردن یا اضافه کردن «ستان» به کلمه ها می توانیم کلمه ی
جدید با معنای جدید بسازیم.

مانند: کوهستان

کوه + ستان ← کوهستان: محلی که کوه های بسیار زیادی دارد.

تاک + ستان ← تاکستان: محلی که تاک های (درختان انگور) بسیار زیادی دارد.

نارنج + ستان ← نارنجستان: محلی که نارنج های فراوانی دارد.

گل + ستان ← گلستان: محلی که گل های بسیار زیادی دارد.

بیمار + ستان ← بیمارستان: محلی که بیماران زیادی آن جا بستری هستند.

👉 **دان پسوندها**، «جا» و «مکان» است.

با ترکیب کردن اسم ها با واژه ی «دان» می توان کلمه های جدید با معنای جدید ساخت.

آتش + دان ← آتشدان

👉 نوشته ای را، که دارای سه ویژگی مهم ۱- داشتن عواطف ۲- بیان احساسات ۳- داشتن آهنگ باشد، شعر
می نامند.

👉 اگر نهاد جمله ها را تغییر دهیم می توانیم جمله های جدید بسازیم.

او ← آمد. مریم ← آمد. معلم ← آمد.

👉 با اضافه کردن حرف «ی» به برخی اسم ها، می توانیم کلمه ی جدیدی بسازیم که نام شغلی را به محل آن
شغل تبدیل کند.

عکاس ← کسی که عکس می گیرد (شغل)

عکاسی ← محلی که عکاس عکس می گیرد (محل کار)

قنّاد ← کسی که شیرینی می پزد (شغل)

قنّادی ← محلی که قنّاد در آن کار می کند (محلّ کار)

👉 برای زیباتر شدن جملات یا نوشته هایمان، چیزی را به چیز دیگر تشبیه یا شبیه سازی می کنیم.

مانند: مادرم مثل فرشته، مهربان است.

آب آینه ایست پهناور ← آب مانند آینه ای پهناور است.

صورت خواهرم مثل گل زیباست.

👉 با ترکیب اسامی اعضای بدن با نشانه ی « ه » می توانیم یک کلمه ی جدید یا یک اسم جدید بسازیم.

دست : دست + ه ← دسته

پا : پا + ه ← پایه

لب : لب + ه ← لبه

دهان : دهان + ه ← دهانه

گوش : گوش + ه ← گوشه

دندان : دندان + ه ← دندان

👉 از ترکیب بعضی از کلمه ها با پسوند « ناک » کلمه ی جدیدی ساخته می شود.

خطر + ناک ← خطرناک

سوز + ناک ← سوزناک

کلماتی که از ترکیب شدن با « ناک » ساخته می شوند، کلمه ی قبل از خود را توصیف می کند.

خاکِ نمناک: خاکی که نم دارد

نگاهِ غمناک: نگاهی که غم دارد.

👉 یک جمله می تواند از یک کلمه ساخته شده باشد. مثل: رفتم.

یک جمله می تواند از دو کلمه ساخته شده باشد. مثل: من آمدم.

یک جمله می تواند از چند کلمه ساخته شده باشد. مثل: علی در را بست.

علی ظرف ها را شست

شست : فعل

ظرف ها : مفعول

علی : فاعل

با پرسش این سؤال که علی چه چیزی را شست؟ می توان معنی جمله را کامل کرد.

مفعول در نمودار جمله کامل کننده معنی جمله هست

با افزودن پسوند « انه » به اسم ها می توانیم یک کلمه ی جدید با معنای جدید بسازیم. مانند:

عصر + انه ← عصرانه صبح + انه ← صبحانه دختر + انه ← دخترانه

با افزودن پسوند « بردارم »، یعنی نوشتن چیزهایی که می شنویم، می بینیم یا می خوانیم.

در هنگام نوشتن یک گزارش، می توانیم از یادداشت برداری هایی که انجام داده ایم، استفاده کنیم.

سال چهارم

بعضی واژه ها زیر مجموعه هایی دارند ، مثلا وقتی می گوییم خانواده کلمه هایی مانند پدر ، مادر ، خواهر و برادر زیر مجموعه های این واژه هستند .

فصل : بهار ، تابستان ، پاییز ، زمستان **میوه :** پرتقال ، موز ، سیب و **ورزش :** فوتبال ، کشتی ، شنا و

نکته مهمی که در نوشتن اهمیت دارد ، استفاده از نکات نگارشی مناسب است تا منظور نویسنده بهتر و سریع تر درک شود .

نقطه (.) : در پایان جمله های خبری و دستوری استفاده می شود و جمله را به پایان می رساند .

مانند: مریم به دانشگاه رفت . او بسیار به درس خواندن علاقه دارد .

ویرگول (,) : علامت مکث کوتاه در خواندن است و شیوه خواندن را تغییر می دهد .

به این دو جمله دقت کنید .

پدر علی ، (مکث) از مدرسه برگشت . از برگشتن پدر علی از مدرسه صحبت می کنیم

پدر ، (مکث) علی از مدرسه برگشت . به پدر می گوییم که علی از مدرسه برگشته است

دو نقطه : هنگامی که سخنی را از کسی بیان می کنیم از نشانه (:) استفاده می کنیم و سخن آن شخص را داخل گیومه

قرار می دهیم.

مانند: پدر گفت: « باید به خدا توکل کنید».

علامت سوال (!): در پایان جملات پرسشی استفاده می شود .

مانند: از کدام راه آمدی ؟

سه نقطه (...): زمانی که جمله هنوز ادامه دارد و قسمتی از آن حذف شده است .

مانند: ایران شاعران زیادی دارد ، مانند سعدی ، حافظ ، فردوسی و

👉 ضرب المثل: جمله ها یا شعرهای کوتاه و زیبایی که دارای پندهای اخلاقی و نصیحت های خوبی برای زندگی

است و از گذشته به ما رسیده است . گاهی به جای توضیحات طولانی می توانیم منظور خود را با گفتن یک ضرب المثل زیبا و حاوی نکته و نصیحت بیان کنیم .

گر صبر کنی ز قوره حلوا سازی جوینده ، یابنده ست.

👉 کلمات متشابه (هم آوا):

کلمات هم آوا، کلماتی هستند که مثل هم خوانده می شوند اما مثل هم نوشته نمی شوند و معنی آن ها هم با هم فرق دارد . این کلمات مانند هم خوانده می شوند اما املا و معنی متفاوتی دارند .

خوار: تیغ خوار: حقیر خان: آقا خوان: سفره

من در حیاط بازی می کنم . (حیاط خانه) جانوران بدون هوا قادر به ادامه حیات نیستند (زندگی)

حتی گاهی دو کلمه مانند هم نوشته و خوانده می شوند اما معنای متفاوتی دارد.

من دیگر سیر شدم . سیر بوی بدی دارد .

👉 متن هایی که اطلاعاتی به ما بدهد و دانش ما را زیاد کند متن های علمی نام دارند و متن هایی که داستانی است

و ادبیات ما را قوی تر می کند **متن ادبیه** نامیده می شود

👉 برای نوشتن یک قصه رعایت نکات زیر لازم است .

✓ با جمله ها و عبارت های مناسب نوشته خود را باز کنید

- ✓ نشانه های نگارشی را در نوشته خود به کار گیرید
- ✓ در نوشته کلمه ها دقت کنید (اندازه ، فاصله ، اتصال و شکل حروف)
- ✓ نوشته خود را بخوانید و پاک نویس کنید

👉 هنگامی که افراد صحبت می کنند در حقیقت مطلبی را به شنونده انتقال می دهند . گوینده برای انتقال گفته هایش از جمله استفاده می کند.

فاطمه ساعت ۲ آمد .

جمله از یک یا چند کلمه ساخته می شود .

جز اصلی جمله فعل است .

گاهی جمله فقط از یک فعل ساخته می شود. رفتم .

جمله بدون فعل جمله کامل محسوب نمی شود . مانند : من به مدرسه

👉 انواع جمله :

جمله خبری : که در آن خبری می دهیم و در پایان آن نقطه قرار دارد . **مانند:** علی از سفر آمد .

جمله پرسشی : در این جمله در مورد چیزی یا کسی سوالی پرسیده می شود و در پایان آن علامت سوال قرار می گیرد .

مانند: تو کی به مدرسه رفتی ؟

جمله عاطفی : بیان احساساتی مانند تعجب را در بر می گیرد و در پایان آن علامت تعجب قرار می گیرد .

مانند: چه هوای خوبی !

👉 برای **نوشتن شعر به صورت قصه** باید نکات زیر رعایت شود :

✓ با جمله ها و عبارت های مناسب نوشته ی خود را آغاز کنید .

✓ ترتیب رویدادهای قصه را رعایت کنید

✓ نشانه های نگارشی را به کار بگیرید .

✓ یک بار نوشته خود را خوانده و پاک نویس کنید .

گاهی بعضی از کلمه ها از دو کلمه با معنی ساخته می شوند و وقتی با هم ترکیب می شوند یک کلمه ی مرکب با معنی جدید تشکیل می دهند

کتاب + نامه ← کتابنامه: نوشته ای که مشخصات کتاب در آن می آید .

کار + نامه ← کارنامه: نوشته ای که نتیجه کار هر فرد در آن می آید .

شناس + نامه ← شناسنامه : نوشته ای که در آن اطلاعات شخصی هر فرد نوشته شود

روز + نامه ← روزنامه : نوشته ای که در آن اخبار یک روز نوشته می شود

تشویق + نامه ← تشویق نامه : نوشته ای که در آن کسی تشویق می شود

تقدیر + نامه ← تقدیر نامه : نوشته ای که از آن کسی تقدیر و تشکر می شود

گاهی اوقات شاعر برای زیبایی شعر از کلمات مخفف (کوتاه شده) استفاده می کند

کارمت : که برای تو بیاورم

برای **مقایسه** دو تصویر باید به نکات زیر توجه کنید

✓ با دقت به جزئیات تصویرها نگاه کنید

✓ شباهت ها و تفاوت ها را دسته بندی کنید

✓ پس از مقایسه ی شباهت ها و تفاوت های تصویرها ، نوشته را جمع بندی کنید

✓ خوش خط و پاکیزه بنویسید

جمله از یک یا چند کلمه تشکیل می شود و پیام کامل را به شنونده انتقال می دهد

به کار بردن کلمه در انواع جمله : رادیو

امروز رادیو خریدم . (جمله خبری) چه رادیوی زیبایی ! (جمله تعجبی)

رادیو را خاموش کن . (امری) رادیو را کجا گذاشتی ؟ (پرسشی)

گاهی اوقات دو جمله با یک حرف به هم وصل می شوند و معنی دو جمله را به هم ارتباط می دهند . به این حرف

نشانه ی **ربط** یا **پیوند** می گویند .

در آنجا دست به دعا برداشت . با خدای خود زمزمه کرد .

در آنجا دست به دعا برداشت و با خدای خود زمزمه کرد .

در این مثال دو جمله بالا با حرف ربط (و) به هم ربط داده شده اند .

👉 در هنگام **تصویر خوانی و نوشتن متن** با توجه به تصویر به نکات زیر دقت کنید

✓ سعی کنید آنچه دیده اید را در نوشته ی خود بیاورید .

✓ به درست نویسی شکل کلمات و املا توجه داشته باشید .

✓ نشانه های نگارشی را رعایت کنید .

👉 یاد گرفتیم که حروف ربط دو جمله را به هم ربط می دهند . در درس قبل با حرف ربط (و) آشنا شدیم .

به جمله های زیر دقت کنید .

خیلی دنبال کتابم گشتم .

آن را پیدا نکردم .

خیلی دنبال کتابم گشتم ، اما آن را پیدا نکردم .

با کلماتی مانند (اما - ولی) نیز دو جمله به هم ربط داده می شوند و مفهوم دو جمله در مقابل هم است . یعنی جمله دوم مفهوم بر خلاف جمله اول دارد .

👉 خود + باور : به کسی می گویند که به توانایی های خودش آگاهی و باور دارد .

خود + بین : کسی که فقط خودش را می بیند و به دیگران و توانایی های آن ها توجهی ندارد .

خود + دار : کسی که مراقب رفتار خودش است و از کارهای بد دوری می کند .

👉 هر داستان دارای عناصری است :

شخصیت های داستان : کسانی که در آن داستان از آن ها نام می بریم .

زمان : منظور زمانی است که داستان در آن اتفاق افتاده است

مکان : منظور مکانی است که داستان در آن اتفاق افتاده است

اتفاق های داستان : ماجراهایی که باعث شکل گیری داستان شده است

نتیجه : ما از هر داستان به یک نتیجه می رسیم آنچه از داستان آموخته ایم نتیجه داستان است .

👉 برای **بازنویسهء شعر به صورت داستان :**

✓ سعی کنید خودتان را به جای شخصیت داستان قرار دهید .

✓ در بیان توصیف از احساس و عاطفه ی خود استفاده کنید.

✓ انتخاب کلمه ی مناسب نوشته ی شما را دلنشین تر می کند .

👉 **فعل :** کار انجام شده در جمله را فعل می گوئیم فعل اصلی ترین بخش جمله است و جمله بدون آن معنای

کاملی ندارد .

آن ها در اتاق خوابیدند .

اصلی ترین بخش فعل آن است یعنی خوابیدند که کار انجام شده را بیان می کند

👉 جمله بدون داشتن فعل جمله محسوب نمی شود و یک فعل به تنهایی نیز یک جمله محسوب می شود .

خندید.

در جمله ها فعل اصلی ترین بخش جمله است و بقیه واژه ها برای کامل کردن معنای جمله می آیند

بچه ها آمدند .

قسمت اصلی جمله (آمدند) و بقیه برای کامل کردن معنای جمله آمده است .

👉 در ادامه فراگیری حروف ربط کلمه هایی مانند چون و زیرا نیز دو جمله را به هم ربط می دهد .

آن ها سریع به خانه رسیدند. خیابان ها خلوت بود .

آن ها سریع به خانه رسیدند ، چون خیابان ها خلوت بود .

دقت کنید که جمله اول مفهومی را توضیح می دهد و جمله دوم دلیلی برای جمله اول بیان می کند .

👉 در نوشتن خاطره :

- ✓ نوشته خود را با کلمه ها و جمله های مناسب به پایان ببرید
- ✓ مکان ، زمان و جزئیات رویدادها (خاطرات) را بنویسید
- ✓ طوری بنویسید که خواننده بتواند نوشته ی شما را به خوبی درک و احساس کند

👉 با ترکیب واژه ها با یکدیگر کلماتی با معنی ساخته می شود . از ترکیب اسم های مختلف با پذیر یا ناپذیر می توان صفت های جدید ساخت .

در ترکیب با **ناپذیر** بیان می کنیم که روی کلمه قبل از خودش نمی توان عملی انجام داد .

شوق وصف ناپذیر : شوقی که نمی توان آن را توصیف کرد .

دژ تسخیر ناپذیر : دژی که نمی توان آن را تسخیر کرد .

خستگی ناپذیر : کسی که نمی توان آن را خسته کرد یعنی به این آسانی خسته نمی شود .

شکست ناپذیر : کسی که نمی توان آن را به آسانی شکست داد .

باور ناپذیر : چیزی که نمی توان آن را به آسانی باور کرد .

در ترکیب با **پذیر** بیان می کنیم که می توان آن عمل را انجام داد .

نفوذ پذیر : جایی که می توان به آسانی در آن نفوذ کرد .

👉 هنگام نوشتن داستان با توجه به تصاویر مرتبط به هم :

- ✓ ارتباط بین تصاویر را درک کنید
- ✓ نوشته شروع مناسبی داشته باشد
- ✓ ترتیب رویدادها رعایت شود .
- ✓ پاکیزه و خوش خط بنویسید .
- ✓ نشانه های نگارشی را در جاهای مناسب به کار بگیرید .

بعضی جملات کلمه هایی دارند که توضیحی درباره اسم قبل از خود می دهد .

پدر به من یک کتاب زیبا داد .

در این جمله کلمه زیبا توضیحی درباره کتاب داده است .

به این واژه ها صفت گفته می شود . **صفت** کلمه ای است که درباره اسم قبل از خودش توضیحی می دهد . دقت کنید

معلم مهربان رفت . کلمه مهربان درباره کلمه ی قبل از خود توضیحی می دهد .

با اضافه کردن است به دو کلمه و در صورت معنی دادن آن می توانید صفت را شناسایی کنید.

معلم مهربان

معلم مهربان است . مهربان صفت است .

معلم من

معلم من است . من صفت نیست .

تصور کنید می خواهید با توجه به یک تصویر از زبان یک پرنده متنی بنویسید .

✓ به جزئیات تصویر (رنگ ، نور ، جهت و حرکت و ...) خوب نگاه کنید

✓ با انتخاب کلمات مناسب ، احساس و عاطفه ی خود را آشکار کنید .

✓ نشانه های نگارشی را به کار گیرید .

✓ پاکیزه و خوش خط بنویسید .

گرداگرد یعنی دور تا دور لبالب یعنی پر سراسر یعنی همه جا دمادم یعنی هر لحظه

شکل و ساخت این کلمه ها را دقت کنید .

اسم + ا + اسم

این کلمات توضیح بیشتری درباره ی مفهوم جمله می دهند و معنای جمله را کامل تر می کنند.

👉 کلماتی مانند سپس و بعد نیز در دو جمله را به هم پیوند می دهد و به نوعی ترتیب زمانی اتفاقات را نشان می دهد . در واقع جمله دوم در ادامه جمله اول می باشد .
معلم کتاب را بست ، سپس شروع به قدم زدن کرد .
قدم زدن به ترتیب بعد از بستن کتاب صورت گرفته است .

👉 توجه داشته باشید هنگامی که **داستان يك شعر** را به **صورت متن** می نویسید :

- ✓ داستان شروع مناسبی داشته باشد
- ✓ پیام یا محتوای شعر حفظ شود
- ✓ نشانه های نگارشی در جای مناسب استفاده شود
- ✓ داستان با جمع بندی مناسبی پایان یابد
- ✓ نوشته ی خود را پاک نویس کنید .

👉 به فعل های زیر دقت کنید .

مریم خورد . در این جمله می توانید از فعل پیرسید مریم چه چیزی را خورد ؟ برای این که پیام جمله کامل شود به کلمه یا کلمات دیگری نیاز داریم که جوابی برای این سوال است .

مریم سیب را خورد

مادر گلدان را آورد .

چه چیزی را آورد ؟

گلدان را

(گلدان که جواب این پرسش انجام شده است نقش مفعول دارد و را نیز نشانه مفعول است)

👉 مفهوم همه فعل های استفاده شده در جمله نیازی به کامل شدن با مفعول ندارند .

هوا سرد شد .

در این جا نمی توان از فعل پیرسید چه چیزی را / چه کسی را

علی دفتر را برداشت .

این جمله از سه قسمت تشکیل شده است .

یک قسمت اصلی که می دانیم فعل جمله است یعنی کاری که انجام شده است.

یک قسمت دیگر انجام دهنده کار است که به آن فاعل می گویند.

قسمت سوم کلمه یا کلماتی هستند که مفهوم فعل را کامل می کنند . کلماتی که کار بر روی آن ها انجام می شود و به آن مفعول می گویند.

لیلا دوستش را دید .

دید: **فعل**

دوستش : **مفعول**

لیلا : **فاعل**

اول بهار زیبا و دل انگیز قلم به دست گرفت .

دومین نقاش تابستان گرم دست به کار شد .

کلمه هایی مانند اول ، دومین ، سوم ، نخست ، آخر ، ابتدا باعث می شود که مطالب کل متن به هم مرتبط شوند و ترتیب زمانی را نشان می دهد .

از ترکیب اسم با (**زار**) ، واژه هایی با معنی جدید ساخته می شود .

سبزه زار : جایی که پر از سبزه است .

نمک زار : جایی که در آن زمین نمک وجود دارد .

گندم زار : جایی که در آن گندم می روید .

چمن زار : جایی که آن چمن فراوان رویده است .

نی زار : جایی که نی فراوان رویده است .

گل زار : جایی که در آن گل فراوان رویده است .

هرگاه زار به انتهای کلمه ای اضافه شود ، کلمه ای جدید ساخته می شود و از مفهوم آن (جایی که چیزی به طور فراوان در آن وجود دارد) درک می شود

👉 در ترکیب کلماتی که آخر آن (o) صدای --- دارد اتصال با ی صورت می گیرد .

مانند: پنجه ی صیاد - کله ی موش

در کلماتی که صدای آخر آن ها (آ) است نیز هنگام ترکیب به ی نیاز داریم . ترس ها = ترس های نادرست

در کلماتی که آخر آن صدای (o) شنیده می شود و سایر کلمات اتصال با کسره صورت می گیرد .

شاه وحوش روز دگر

👉 هنگام ادامه دادن يك نوشته و کامل کردن آن :

✓ سعی کنید ارتباط بندهای نوشته با بخش آغاز آن حفظ شود

✓ نشانه های نگارشی را به جا و مناسب استفاده کنید

✓ با جمله ها و عبارت های مناسب نوشته را به پایان ببرید

👉 اصلی ترین بخش جمله فعل است . یک جمله گاهی از دو قسمت ساخته می شود . لیلا رفت

گاهی برای کامل شدن مفهوم جمله نیاز به کلمات دیگری است

علی گذاشت

علی کتاب را گذاشت

علی کتاب را روی میز گذاشت

👉 گاهی در واژگان اضافه کردن (به) معنای آن را متضاد می کند .

کار : بی کار هنر : بی هنر

👉 هنگامی که بخواهیم درباره یک موضوع با روش پرسشگره مطلبه بنویسیم :

✓ موضوع را دوست دارید ، انتخاب کنید .

✓ چند پرسش درباره موضوع بنویسید .

✓ پاسخ های نوشته شده را به ترتیب شماره گذاری کنید

✓ نوشته را بازنگری و پاک نویس کنید .

👉 **بیننده** : شخصی که چیزی را می بیند

گوینده : شخصی که چیزی را می گوید

شنونده : شخصی که چیزی را می شنود

نویسنده – خواننده – راننده

این چنین کلماتی با ترکیب نده ساخته می شوند به معنی شخصی هستند که در حال انجام کاری می باشد .

👉 در هر نمودار قسمت بالایی قسمت اصلی جمله یعنی فعل و قسمت پایینی برای کامل کردن معنای جمله است

